

نهمین اجلاس‌به معاونان و راهبران و دستیاران فرهنگی و دانشجویی دانشگاه‌های آزاد اسلامی با حضور دکتر طهرانچی، رئیس دانشگاه آزادو فرزاد جهان‌بین معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه و راهبران، پایان هفته گذشته در مجتمع فرهیختگان

سی‌سرا برگزار شد.

دکتر محمدمهدی طهرانچی در جمع معاون فرهنگی ودانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی، با بیان اینکه دانشگاه آزاد توانسته است در سیر تحولی خود حرکت‌های مناسبی داشته باشد، گفت: «در این سیر تحولی نکته مهم این است که تمام مجموعه دانشگاه وظایف خود را خوب و نیک بشناسند و به آن عمل کنند.»

وی با اشاره به تحولات دانشگاه در حوزه دانشجویی فرهنگی، اظهار کرد: «زمانی در دانشگاه آزاد اسلامی وقتی معاونان دانشجویی دور هم جمع می شدند، به معنای این بود که رؤسای اتحادیه‌های رستوران‌داران یا هتل داران جمع شده‌اند؛ چراکه تمام دغدغه آن‌ها این بود که غذا چه باید باشد، چگونه سلف را اداره کنیم و چگونه رستوران های دانشگاه باید اداره شوند و چگونه به خوابگاه سرویس دهند و آن‌ها را اداره کنند. یک روز دیگر دغدغه آن‌ها این بود که با نهادهای دانشجویی چه کنیم. در این معاونت یک مجموعه کارهایی انجام می شد که هیچ وقت فکر نکردیم که چرا باید انجام بشود! اوضاع به گونه‌ای بود که اگر روزی می خواستیم وظیفه اداره سلف یا اداره پوه‌ها را از معاونت دانشجویی بگیریم، انگار همه وجودش را از او گرفته‌ایم و معاونت دانشجووی از حیز انتفاع خارج شده است. درواقع معاونت دانشجویی معنایی پیدا کرده بود و آن معاونت پشتیبانی در امور دانشجویی بود.» دکتر طهرانچی تأکید کرد: «در دانشگاه آزاد این موضوعی بسیار فرق کرد چراکه قید فرهنگی به معاونت دانشجویی اضافه شده است. معاونان فرهنگی دانشجویی ما نه اتحادیه رستوران داران دانشگاه هستند و نه اتحادیه خوابگاه‌داران، بلکه وظیفه‌ای بسیار مهم در نظام تعلیم و تربیت دانشگاه بر عهده دارند.»

رئیس دانشگاه آزاد با اشاره به موضوعاتی در خصوص وظیفه دانشگاه در مقوله جامعه‌پردازی، گفت: «در این زمینه تعبیری تحت عنوان نسل های دانشگاهی وجود دارد که افراد زیادی آن‌ها به کار می‌برند. نکته مهم و اساسی این است که ما نباید این موضوع را فراموش کنیم که عهدهدار نظام تعلیم و تربیت هستیم. شغل ما شغل انبیاست. انبیا واسطه وحی و واسطه امانت الهی هستند که کتاب خدا را بر ما بخوانند. واقعیت این است که قرآن کریم یک نگاه بنیادی به انسان و جامعه دارد. این نگاه از این منظر استست که اگر انسان قابلیت پذیرش پیدا نکند، تعلیم و تعلیم فایده‌ای ندارد. مثالی در این زمینه وجود دارد این استست که انگار زیر باران ایستاده‌ای و ظرف خود را معکوس گرفته‌ای و در ظرف باران آبی جمع نمی‌شود. یا مولانا مثال می زند اگر انبار گندمی داشته باشید و موش به این انبار زده باشد، باید اول دفع موش انجام شود. بعد ذخیره گندم آغاز شود.»

وی ادامه داد: «پس اساساً دور بعد و دو منطق دفع آسیب و کسب منفعت کنار هم می‌آید. اما مسألی در میان علمای آموزش عالی مطرح است و آن این است که دانشگاه جنبه فردی دارد یا جنبه اجتماعی؟ دانشگاه برای ارتقای فرد است یا برای ارتقای جامعه؟ این سؤال، یک سؤال بسیار جدی است. این مباحث طرفدارانی هم دارد. بعضی افراد نگاه فردی به دانشگاه دارند و بعضی افراد نگاه اجتماعی دارند. عده‌ای دیگر نیز اعتقاد دارند باید بین فرد و اجتماع گره بزنیم. اما سؤال این است که چگونه می‌شود منافع فردی و منافع اجتماعی یا به عبارتی منافع ملی به هم گره بخورد؟ اساساً دفع ضرر و کسب منفعت در تقاطع منافع فردی و ملی چیست؟»

نقش دانشگاه درمنافع اجتماعی چیست؟

دکتر طهرانچسی اظهار کرد: «در نظام آموزش عالی ما دوازه سال از مالیات هزینه می کنیم تا یک نوجوان را به سسن دانشجویی می‌رسانیم. بعد این نوجوان در دانشگاه‌هایی مثل دانشگاه شریف و دانشگاه تهران تحصیل می‌کند. درواقع دولت از مالیات مردم برای این دانشسجو در این دانشگاه‌ها هزینه می‌کند و بعد از چهار سال یا شش سال، بچمه‌ها در این دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند که منافی برای کشور باشد. اما کل فارغ التحصیلان یا جمع کثیری از این فارغ التحصیلان مهاجرت می‌کنند. اینجا سؤال پیش می‌آید که نقش این دانشگاه در منافع اجتماعی چیست؟ راندمان یا بهره‌وری این دانشگاه در منافع اجتماعی چیست؟ اگر تربیت دانشجویست، چرا تربیت فردی را طوری انجام می‌دهد که این تربیت فردی نمی‌تواند نظام مهندس پیشرو در اجتماع فراهم کند؟»

رئیس دانشگاه آزاد ادامه داد: «سؤال مهم این است که دفع آسیب فردی و اجتماعی آیا یکسان است؟ وقتی از بچه‌ها دلیل مهاجرت را می‌پرسید، می‌گویند ما به پیشرفت و نفع فرد خود را لحاظ می‌کنیم. حالا سؤال این است که نفع اجتماعی کجاست؟ حالا شما فرض بگیرید معاون فرهنگی دانشجویی یک دانشگاه مانند دانشگاه شریف به دانشجو خدمت می‌کند. این خدمت برای نفع شخصی است یا نفع اجتماعی؟ این‌ها سؤالات جدی است که پیش روی ما قرار دارد و من امروز سعی می‌کنم در مورد جهت‌گیری این دو بحث کنم.»

وی با اشاره به مباحث در خصوص «دفع ضرر به عنوان پایداری و کسب منفعت به عنوان کارآمدی»، گفت: «در سند تحول دانشگاه آزاد اسلامی وقتی که به ساختار دانشگاه رسیدیم، یکی از راهبردهای ما راهبرد دانشگاه پایدار و کارآمد است. یعنی این بحث ریشه در سند تحول دارد. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که بحث دفع ضرر و کسب منفعت آیا فقط در انتخاب خداوند در موضوع الهه گرفتن غیرخدا مطرح است یا نه ذات علم هم هست؟ خداوند در قضیه حضرت سلیمان دو ویژگی همزمان را ذکر می‌کند: ضرر و منفعت. اینجا کلام الهی کلام



دکتر طهرانچی در جمع معاونان فرهنگی بر ضرورت فهم دقیق جامعه‌پردازی تأکید کرد

با چند پوستر و برنامه نمی‌توان فرهنگ ساخت

دو. معظم له می‌فرماید همه ارکان دانشگاه باید به این سه نکته توجه کنند؛ مدیر، استاد، دانشجو. متن درسی و فرایندهای آموزشی، همه باید در خدمت این سه جهت باشند.
اصول کار دانشجو، فراگیری علم است، اما در کنار آن، آینده‌نگری، نگاه به جامعه، نگاه به مردم و نگاه به مشکلات نیز جزء وظایف حتمی دانشجویست.
ولی وظیفه اصلی رکن، تربیت، تولید و جهت‌دهی است.»
وی ادامه داد: «انسان، بینشش فطرتاً در خانواده شکل می‌گیرد؛ سماعی و تقلیدی. برخی‌ها در دین توقف می‌کنند، برخی‌ها نه، وارد دنیای علم می‌شوند.»

با چند پوستر و برنامهٔ اجتماعی نمی‌توان فرهنگ ساخت

دکتر طهرانچی گفت: «علم، ایمان را زایان می‌کند (فَرَادَنْتَهُمْ اِیْمَانًا). دانشگاه از یکسو به دانش توجه دارد و از سوی دیگر، در دفع آسیب‌ها به گرایش توجه می‌کند و در زمینه توانایی‌ها نیز زور دارد.»
ما این ترکیب را «علم، فرهنگ و فناوری» می‌نامیم. نکته مهم این استست که فراگیری، مشاهده و خردورزی در هر سه حوزه وجود دارد. فرهنگ با فعالیت فرهنگی (نظیر فعالیت‌های فوق برنامه اجتماعی) متفاوت است. فرهنگ، فضای تنفسی ماست. با چند پوستر و برنامه اجتماعی نمی‌توان این فضا را ساخت. به زبان امروزی، سه رکن اصلی دانشگاه عبارت‌اند از آموزش، پژوهش و کاربست.»

در نسل‌بندی دانشگاه‌ها بدون درک مفهوم تقلید کردیم

رئیس دانشگاه آزاد افزود: «مفهوم نسل‌های دانشگاهی در دهه اخیر وارد ادبیات آموزش عالی ایران شده است. این نسل‌ها از نسل اول تا نسل پنجم تقسیم‌بندی می‌شوند. برای این مفهوم از همان اصطلاح نسل انسانی (Generation) استفاده شده است. ما زمانی دچار خطا می‌شویم که صرفاً تقلید می‌کنیم بدون آنکه مفاهیم را بفهمیم.»

وی خاطر نشان کرد: «آنچه در غرب رخ داده، نشان می‌دهد که دانشگاه‌های نسل اول، دانشگاه‌های آموزشی بودند. نسل دوم، آموزشی-پژوهشی است. نسل سوم، علاوه بر آموزش و پژوهش، کارآفرینی و فناوری را هم دنبال می‌کند. در نسل اول، کشف حقیقت هدف دانشگاه بود. در نسل دوم، شناخت پدیده‌های طبیعی اهمیت پیدا کرد. نسل سوم به ارزش آفرینی توجه دارد. در نسل اول، توسعه سرمایه تخصصی و تکنیکی جامعه مهم بود. در نسل دوم، تربیت انسان‌های متخصص اهمیت یافت. نسل سوم به افرادی اهمیت می‌دهد که کارآرینی نیز باشند. نگاه دانشگاه‌های نسل اول جهانی بود، نسل دوم نگاه ملی داشت و نسل سوم، بین‌المللی عمل می‌کند. زبان دانشگاه‌ها نیز تغییر کرده است: زبان نسل اول لاتین بود، نسل دوم از زبان محلی و ملی استفاده می‌کرد و زبان علمی، شاخه نسل سوم است.»

دکتر طهرانچی تصریح کرد: «کالج‌ها یا دانشسراها، سازمان نسل اول دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. دیارتمان‌ها، بخش ساختار نسل دوم را شکل می‌دهند و در نسل سوم، انستیتو‌ها محور سازمانی هستند. در نسل اول، رئیس دانشگاه تمام‌وقت در دانشگاه حضور دارد. در نسل دوم، رئیس دانشگاه ممکن است هم‌زمان در صنعت هم فعالیت داشته باشد و حضورش در دانشگاه نیمه‌وقت باشد. اما در نسل سوم، ریاست دانشگاه نیازمند دانش مدیریتی است، نه الزاماً دانش علمی.»

وی افزود: «در نسل اول، روش تدریس نقلی و فلسفی است؛ در نسل دوم، آموزش تکرش‌های و در نسل سوم، بین رشته‌ای است. ترجمه تادرس مفاهیم، منشأ خطا در الگوبرگیزی از دانشگاه‌های دیگر می‌شود. روزه نسل دوم (Generation) را بوم‌هاست. مختلف، معانی متفاوتی دارد. یک نگاه، تقسیم دوره‌های تاریخی به نسل‌هاست. نگاه دیگر، هم‌رستی نسل‌ها به‌صورت هم‌زمان است.»
دکتر طهرانچی گفت: «در واقع، دانشگاه‌ها وارد توالی‌ای شده‌اند که بر اساس آن از «نسل» برای توصیف مراحل تحول استفاده می‌شود. اما این توالی به معنای حذف نسل‌های پیشین نیست. برای مثال، کتاب سیاست آموزش عالی آمریکا سال ۱۹۹۵ عنوان می‌کند که تنها ۳ درصد دانشگاه‌ها در آمریکا نسل دوم‌اند و عمده‌شان همچنان کالج‌اند.»

تلقین ذهنیت «جاماندن» به دانشگاه‌ها اشتباه است

رئیس دانشگاه آزاد ادامه داد: «برخی گمان می‌کنند چون نسل دانشگاه تغییر کرده، آموزش دیگر ارزش ندارد و باید حذف شود. در نتیجه، بند پژوهش در آیین‌نامه ارتقا اهمیت پیدا می‌کند و سرانجام به جایی می‌رسد که اگر استادی شرکت دانش‌بنیان یا اختراع نداشته باشد، باید اخراج شود! اما باید کرد که مفهوم «نسل دانشگاهی» به معنای حذف نسل‌های قبل نیست. مثل مغی مادری که زادوولد می‌کند و نسل‌های بعد را می‌آورد، اما خودش همچنان باقی است.»
وی تأکید کرد: «تلقین ذهنیت «جاماندن» به دانشگاه‌ها، نگاه اشتباهی است. حتی در کشورهایی که از نسل سوم دانشگاه صحبت می‌کنند، بیشتر دانشگاه‌ها هنوز آموزشی‌اند. همه را نمی‌شود با یک معیار سنجید. در ایران، حداکثر ۲۰ درصد اساتید مقاله ارائه می‌دهند. علوم انسانی ما در نسل اول باقی مانده، اما این بدان معنا نیستست که در آن نسل پژوهش وجود ندارد. اتفاقاً پژوهش هست، اما فردی است، نه سازمانی.»

رئیس دانشگاه آزاد اضافه کرد: «در نسل اول، کسی برای پژوهش پول نمی‌گیرد، اما کسی‌که پژوهشگر نباشد، اجازه تدریس ندارد. دانشگاه آموزشی نسل اول، دانشجو را محور می‌داند. در آن نسل، رسیدن به مقام استادی یا نوشتن کتاب، امتیاز محسوب نمی‌شود، اما لازمه ورود به دانشگاه و تدریس است. افراد عالم در این نسل، دانشجو تربیت می‌کنند؛ اما نکته‌گونه که در گذشته، حوزه علمیه مرسوم بود.»
دکتر طهرانچی ادامه داد: «در سازمان آموزش، دانشجو محور است و در سازمان پژوهش، استاد محور. در آموزش عمومی، افراد باید جامع‌العلم باشند، نه صرفاً متخصص در یک حوزه. نسل دوم بر آموزش تخصصی تأکید دارد و نسل اول، بر آموزش عمومی. در نسل اول، وفاداری به دانشگاه اهمیت داشت. برای مثال، می‌گفتند فلاّنی شاگرد مکتب فلان استاد است؛ دانشجو به استاد شناخته می‌شد و وفاداری به دانشگاه معادداشت. در نسل دوم، این وفاداری به حروف و شغل منتقل شد. وی گفت: «اگر تحول نظام آموزشی به‌صورت یکپارچه و بی‌تفکیک رخ دهد، کشور آسیب می‌بیند. بخشی از نظام آموزشی باید متحول شود، نه همه آن. خداوند عالم را متکثر آفریده است از آب، خاک و آتاپ؛ یکسان، گیاهان و سنگ‌های رنگارنگ پدید آمده‌اند. پس چرا انسان هم چیز را یک‌شکل کند؟ این هشدار الهی ست. ما گرفتار تفکر رنگی و تک‌ساختی شده‌ایم.»

بالاتر بودن مقالات متا نسبت به هاروارد نشانه نظم جدید

رئیس دانشگاه آزاد گفت: «یکی دیگر از ابعاد بحث، تغییر رفتار اجتماعی دانشگاه‌هاست. پیش‌تر دانشگاه‌ها مستقل و خودمختار بودند. استقلال دانشگاه‌ها به پیش از ۱۹۵۵ میلادی بازمی‌گردد. در آن دوره، دانشگاه‌ها کلی اداره می‌شدند؛ سازمان، یکپارچه و جامعه علمی منسجم بود. از سال ۱۹۵۵ به بعد، دولت‌ها شروع به دخالت کردند و «مأموریت‌گرایی» وارد دانشگاه شد. درنتیجه، دانشجوها تبدیل به پژوهشگر شدند.»

دکتر طهرانچی اظهار کرد: «این دگرگونی در سال ۲۰۱۵ و با تحولات دیجیتال، آثار اجتماعی عمیقی داشت. امروز شرکت متا (Meta) بیشتر از دانشگاه‌ها راروارد مقاله منتشر می‌کند. این نشان‌دهنده نظم جدیدی است که در حال شکل‌گیری است.»

وی افزود: «دانشگاه نسل اول، سازمانی آموزشی و مدرسه‌محور بود، پژوهش در این نسلسل فرامحور بود. دانشگاه‌ها برای چاپ کتاب نمی‌داد، بلکه بنگاه‌های انتشاراتی نزدیک دانشگاه‌ها، کتاب‌ها را چاپ می‌کرد. اگر مقاله یا کتابی چاپ می‌شد، دانشگاه منتشرکننده آن نبود. بر خلاف تصور عمومی، همه افراد در دانشگاه

آموزشی، صرفاً به تدریس نمی‌پردازند.»

دکتر طهرانچی تأکید کرد: «در حوزه علوم انسانی ایران، بیشتر پژوهش‌ها فردی است، حتی اگر مقاله‌ای به‌صورت گروهی نوشته شود، در عمل نویسنده‌ان نگاه‌های متفاوت دارند و نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت مانند تیم‌های علمی فنی، مشترک‌نگر باشند. این رویکرد را نباید تخطئه کرد. نمی‌توان از یک فیلسوف و شاگردش انتظار داشت دیدگاهی یکسان داشته باشند. این افراد علامه هستند، نه صرفاً دانشمند.»
رئیس دانشگاه آزاد گفت: «در نسل دوم دانشگاه‌ها، دانشمندان در حوزه‌های مشخصی از علم فعالیت می‌کنند، مانند فیزیکدان‌ها و شیمی‌دان‌ها. ساختار این نسلسل پژوهش محور است. در اینجا دانشجو یان لیسانس تربیت می‌شوند تا در ادامه به تحصیل در مقطع ارشد و دکتری پرداخته و با اسناد خود، پژوهش مشترک انجام دهند.»

وی ادامه داد: «به همین دلیل است که فارغ التحصیلان لیسانس از دانشگاه‌های ایران، به‌راحتی جذب دانشگاه‌های خارجی می‌شوند، زیرا برای آن‌ها پژوهش تربیت شده‌اند. گفته می‌شود ایرانی‌ها در پرورش دانشمند بسیار خوب عمل می‌کنند. در این نسل، مفهوم «دیارتمان» شکل می‌گیرد. هر استاد، حوزه خاص خود را دارد و دانشجو براساس آن حوزه، استادش را انتخاب می‌کند.»

هدف دانشگاه نسل چهار «جامعه» است

وی تصریح کرد: «در نسل سوم، دانشگاه فناوری مطرح می‌شود. نمونه بارزان، دانشگاه MIT است؛ اما مثلاً دانشکده فنی دانشگاه تهران هنوز فناوری محسوب نمی‌شود. در این نسل، مفهوم TRL (سطح آمادگی فناوری) اهمیت دارد. مهندس فناوری با مهندس عالم تفاوت دارد. علم مهندسی از ریاضیات آغاز می‌شود و به بازار کاری ندارد، اما مهندس فناوری دا دانش آغاز می‌کند و به بازار ختم می‌شود.»
دکتر طهرانچی افزود: «نسل چهارم، دانشگاه جامعه‌پرداز است. این دانشگاه، ساختاری فرهنگی دارد و هدفش، جامعه‌داری است. در این نسل، سبک زندگی اهمیت دارد و علم، پژوهش و فناوری در خدمت آن قرار می‌گیرند، حتی دانشگاه‌های غرب وجود دارد که خروجی آن، تغییر در سبک زندگی مردم تهران است.»

مأموریت نهایی دانشگاه جامعه‌پرداز است

دکستر طهرانچی با تأکید بر ضرورت بازتعریف نقش دانشگاه در جامعه امروز گفت: «دانشگاه تنها محل آموزش و پژوهش نیست، بلکه نهادهی فرهنگی است که مأموریت نهایی‌اش، جامعه‌داری است. ما باید بررسییم دانشگاه‌ما چه سهمی در ساختن فرهنگ جامعه دارد؟»

وی با مقایسه سیستم پزشکی با نظام دانشگاهی کشور افزود: «در نظام پزشکی، استاد با سبک شخصی خود، دانشجو همراه تربیت می‌کند؛ دانشجو دو سال آموزش نظری می‌بیند و سپس با مشاهده و تبعیت از استاد، شخصیت حرفه‌ای و فرهنگی‌اش شکل می‌گیرد. این یعنی فرهنگ‌سازی برای جامعه است، نه صرفاً انتقال دانش.»
رابطه این دانشجو و استاد حکایت‌های مشترک قریب است که شاگردانی را تربیت می‌کند، شاگردان او مجدد شاگردی را تربیت می‌کنند. این چرخه همیشه ادامه دارد. همین است که ما پزشک فراوان داریم اما پزشک فناوری نداریم.

آسبب‌های نگاه اداری صرف به مراکز آموزش عالی

وی با انتقاد از نگاه صرفاً اجرایی به اداره دانشگاه‌ها اظهار داشت: «اگر نگاه صرفاً اداری به دانشگاه داشته باشیم، بهتر است بوفه‌ها و سلف‌ها را به تأخیر و رستوران‌داران واگذار کنیم. مجدد در این مقوله دکتر قریب اشاره می‌کند که سیر تحولی مسئولیت انسان‌ها به مراتب در حال تغییر است. به‌طور مکرر شکل نظام اداری تغییر می‌کند، چون جامعه در حال تغییر است و نظام تعلیم و تربیت نیز به جامعه وصل است.»
رئیس دانشگاه آزاد با اشاره به تحولات ساختاری در آموزش عالی گفت: «در مسیر تکامل دانشگاه‌ها، نسل اول تنها به آموزش پرداخت. نسل دوم پژوهش را اضافه کرد، نسل سوم به فناوری روی آورد و حالا نسل چهارم از جامعه‌پرداز سخی می‌گوید، اما ما همچنان با ساختارهای نسل اول کار می‌کنیم.»

وقت بازنگری در ساختار دانشگاه‌ها فرا رسیده است

وی با مروری تاریخی بر شکل‌گیری وزارت علوم و نهادهای آموزشی کشور یادآور شد: «وزارت علوم در ابتدا «وزارت فرهنگ» نام داشت، معاون فرهنگی هم در کل وزارتخانه وجود نداشت. همان زمان وزرات معارف، اوقاف و صنایع مستضعف شورای عالی معارف در سال ۱۳۱۶ و در وزارت فرهنگ مبدل شد. در سال ۱۳۲۴ شورای مرکزی دانشگاه‌ها، بعد از اخراج شورا اما باید کرد که مفهوم «نسل دانشگاهی» وزارت فرهنگ و آموزش عالی که مجدد معاون فرهنگی هیچ جایگاهی نداشت و بعد به شورای عالی انقلاب فرهنگی که وزرات بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از آن جدا شدند و در نهایت به‌جای اینکه بشود وزارت علوم، فرهنگ و فناوری به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نام‌گذاری شد. وظایف گسترده‌های شامل آموزش، پژوهش، فرهنگ، و معارف داشت. اما با گذشت زمان، مأموریت فرهنگی در ساختار دانشگاه‌ها کمرنگ شد و حتی تا سال‌ها معاونت فرهنگی در دانشگاه‌ها نداشتیم.»
دکتر طهرانچی تأکید کرد: «اکنون زمان آن رسیده که دانشگاه‌ها ساختار خود را بازنگری کنند و به‌صورت جدی چهار بخش را در سازمان خود توسعه دهند: ۱) سازمان آموزش محور، ۲) سازمان پژوهشی، ۳) سازمان فناور و، ۴) سازمان جامعه‌پرداز یا فرهنگی. دانشگاه نباید تک‌بعدی باشد، بلکه باید متکثر و پاسخگو به تحولات جامعه باشد.»

باید به درک عمیق‌تری از فلسفه دانشگاه‌ها ایرانی برسیم

وی گفت: «ما باید از تقلید صرف از ساختارهای غربی دست بکشیم و به درک عمیق‌تری از رفتار و فلسفه دانشگاه در جامعه خود برسیم. زمان آن رسیده که دانشگاه‌ها نقش فعال‌تری در ساخت فرهنگ و هویت اجتماعی ایفا کنند.»

رئیس دانشگاه آزاد در ادامه سلسله مباحث تحول در نظام دانشگاهی کشور تأکید کرد: «ما نمی‌توانیم تنها یک نظام آموزشی داشته باشیم. باید پذیریم نظام‌های آموزشی متنوعی داریم: تربیتی، فنی، پژوهش محور، فناوری، هنر و… هر یک از این نظام‌ها، نوع خاصی از آموزش و نوع خاصی از انسان‌سازی را دنبال می‌کند.»
وی با طرح این پرسش که چرا دانشگاه‌های فلسفه در دانشگاه‌ها امروز خالی از دانشجو هستند، افزود: «فلسفه دنبال جستجوی حقیقت است، اما اقتدار این مسیر را کو بیدیم که دیگر کسی جرئت ورود به آن را ندارد. درحالی‌که فلسفه نیاز به افرادی دارد که با هستی‌شناسی زندگی می‌کنند. انیشتین تنها به سه‌مقاله، تحولی عظیم در علم ایجاد کرد، اما امروز پژوهش را با تعداد مقاله می‌سنجیم، نه عمق نظریه.»

نیازمند تربیت کنشگران اجتماعی هستیم

دکتر طهرانچی سپس به اهمیت تربیت فناور و کارآفرین اشاره کرد و گفت: «تربیت فناور نیاز به نظامی دارد که کاربستت علمش را در اولویت قرار دهد. همین‌طور نظام فرهنگی به تربیت مهندس‌ان فرهنگی نیاز دارد، نه صرفاً استاد و پژوهشگر. دانشگاه‌های حکمرانی را تأسیس می‌کنیم اما در آن‌ها نیز همان ساختارهای علمی قدیمی را پیاده می‌کنیم، درحالی‌که سیاست‌پژوه با علم‌پژوه فرق دارد.»
وی تأکید کرد: «ما نیازمند تربیت کنشگران اجتماعی هستیم؛ کسانی که مسائل اجتماعی را می‌فهمند و براساس آن‌ها راهکار ارائه می‌دهند. سازمانی که «فرهنگ و حکمرانی» را اصل قرار دهد، باید متفاوت از سازمانی باشد که آموزش یا فناوری را محور قرار می‌دهد.»

رئیس دانشگاه آزاد افزود: «در سند تحول، پنج چرخش تحول‌آفرین پیش‌بینی شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، پذیرش نوعی در نقش دانشگاه‌هاست. برخی دانشگاه‌ها باید مسئله‌محور باشند، برخی جامعه‌پرداز، برخی پیشرو، و برخی کادرساز و نیروساز. این نوع در آموزش باید به‌رسمیت شناخته شود.»